

بررسی ترجیح قرائت در تفسیر مجمع البیان*

محمدعلی مهدوی راد** و فاطمه حاجی اکبری***

چکیده

گستره مبحث قرائت، اختلاف و ترجیح آنها در تفسیر مجمع البیان، بسیار برجسته و فراتر از قرائت مشهور است. افزون بر قرائت هفتگانه و دهگانه، قرائت شاذ و نیز قرائت مستند به یکی از صحابه مورد توجه طبرسی است. وی با وجود توجه خاص به روایت حفص از عاصم و ترجیح آن در بسیاری از موارد اختلاف قرائت و هنگام بیان حجت هر قرائت یا در مرحله بیان معنا و تفسیر آیه‌ها، قرائت دیگران را بر روایت حفص از عاصم ترجیح داده است. هنگامی که آیه‌ای را در بخش المعنی ذکر می‌کند، آیه را بر اساس قرائت غیر حفص و بیشتر شعبه از عاصم و دوری از ابوعمرو تفسیر می‌کند او در موارد اختلاف قرائت عاصم با قرائت دیگر، گاه بعضی از این قرائت را به جهات متفاوت، نیکوتر و مقبول‌تر از قرائت عاصم دانسته است.

واژگان کلیدی: طبرسی، مجمع البیان، قرائت، اختلاف، قرائت، ترجیح قرائت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۵/۰۵.

** دانشیار دانشگاه تهران - پردیس قم

*** دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان: Fateme.hajiakbari@grad.kashanu.ac.ir

مقدمه

تا پیش از شیخ طوسی نقل قرائات مختلف، کم اهمیت‌ترین بخش در روایات تفسیری شیعه به شمار می‌آمد (کریمان، طبرسی و مجمع البیان، ۱۳۶۱: ۵). در میان مفسران شیعه بیشتر شیخ طوسی و شیخ طبرسی به نقل قرائات پرداخته‌اند. در تفاسیر بعد ایشان مفسران به نقل قرائات از این دو تفسیر اهتمام داشته‌اند. روش نقل اقوال ادبی مفسران اهل سنت در قرن دوم و سوم و در میان مفسران امامیه در قرن چهارم به ویژه در تفسیر التبیان متحول گردید؛ هر چند قبل از شیخ طوسی نیز این روش معمول بود، در تفسیر التبیان بسیار گسترده و پس از آن در تفسیر مجمع البیان به اوج و نهایت خود رسید. آثار دانشمندان شیعی در قرن چهارم در بغداد حکایت از آن دارد که شیعیان برای نخستین بار توانستند در جوی کاملاً سنی به ارائه دیدگاه‌های علمی خویش بپردازند. شاید بتوان احتمال داد که ورود اقوال عامه به کتب تفسیری شیعه، تلاشی از سوی ایشان برای نزدیک‌تر شدن به فضای گفت‌وگوی متقابل بوده است (کریمی‌نیا، شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در تبیان، ۱۳۸۵: ۸۵) شیخ طوسی در التبیان درباره قرائات می‌نویسد: «باید بدانیم که آنچه در مذهب و مکتب اصحاب ما معروف و در اخبار و روایات آنها شایع می‌باشد، این است که قرآن کریم به یک حرف و یک قرائت بر یک پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، اما دانشمندان شیعه بالاتفاق قرائت قرآن کریم را طبق قرائات متداول و معمول میان مردم تجویز کرده و یادآور شده‌اند که قرآن را می‌توان به هر یک از آن قرائات خواند» (طوسی، التبیان فی التفسیر القرآن، بی‌تا: ۷/۱). پس از شیخ طوسی در قرن ششم، کتب زیادی در باب قرائات تألیف شد که نشانگر اهمیت این موضوع در آن زمان است. شیخ طبرسی نیز از این اوج گرایش به قرائات قرآنی جدا نبود و اختلاف قرائات را به نحو احسن در متن تفسیر خود گنجانده.

ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، مؤلف تفسیر مجمع البیان از علمای مشهور امامیه در قرن ششم هجری است^[۱] و مجمع البیان از تفاسیر مهم این قرن و به زبان عربی است که به لحاظ سبک و شیوه تدوین و ساختار جامع و دلپذیر تا آن زمان کم نظیر بود (معرفت، تفسیر و مفسران، بی‌تا: ۲/۲۵۳). در مجمع البیان قرائات قرآنی و اختلاف میان آنها - نه تنها در محدوده قرائات مشهور، بلکه قرائات شاذ هم - نمود و بروزی برجسته دارد. نقل قرائات منسوب به اهل بیت علیهم السلام یا منسوب به برخی صحابه در این تفسیر امری معمول است. از نظر طبرسی مبحث قرائات قرآنی چنان اهمیت داشته که به عنوان فن دوم از هفت فنی که در

مقدمه تفسیر درباره مسائل تفسیر آمده است، به موضوع قرائات قرآنی اختصاص دارد و در آن اسامی قراء مشهور بلاد و علت مشهوریت و مقبولیت قرائت آنان بیان شده است. دلیل اقتدای مردم به قاریان بلند آوازه از نظر شیخ طبرسی این گونه مطرح شده است: به سبب مقام والای علمی و متخصص بودن در قرآن پژوهی و قرائت، مردم بدانها اقتدا کرده و به دلایل زیر قرائات قاریان هفتگانه سندیت یافت:

الف) موقعیت مهم ایشان؛

ب) آگاهی از وجوه قرائات و اخذ قرائت از شخصیت‌هایی که [سند آنها] به معصوم (علیه السلام) یا قاریان بزرگ برسد (طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۸۲: ۱/۱۲).

شیخ طبرسی در ادامه به پذیرش برخی قرائات از سوی ائمه اطهار (علیهم السلام) اشاره می‌کند: «از مذهب امامیه آشکار می‌شود که آنان بالاتفاق قرائت‌های مشهور و معروف میان قاریان را پذیرفته و آنها را مجاز دانسته‌اند، لکن سزاوار می‌دانند که به تمامی آنچه میان قراء جایز است، قرائت کنند و اکتفا به یک قرائت و صرف نظر از دیگر قرائات را خوش نداشته‌اند» (همان).^[۲]

در میان تفاسیر جامع شیعی، مجمع البیان از جهت پرداختن به جایگاه علم قرائات و منابع گسترده حجة القرائات بی‌نظیر است. شیخ طبرسی در سرتاسر تفسیرش، در کنار بیان لغت، اعراب و اسباب النزول به ایراد موارد اختلاف قرائات مختلف، نه تنها در محدوده قرائات مشهور هفت‌گانه، بلکه همه قرائات ده‌گانه مشهور و حتی شاذ پرداخته است. با این همه، رویکرد طبرسی بیشتر علوم قرآنی است تا تفسیر و عملاً چندان مدخلیتی در تفسیر برای آنها قائل نیست. این پژوهش به تحقیق موارد یاد شده در تفسیر مزبور پرداخته است و نظر به اینکه مفسران در تفاسیر ترتیبی غالباً مباحث مورد نظرشان را در اجزای نخستین تفسیر می‌آورند، تفسیر شش جزء آغازین قرآن کریم در مجمع البیان مورد بررسی قرار گرفته است. ارائه، توضیح و بررسی نگرش شیخ طبرسی در حوزه تفسیر و اختلاف قرائات قرآنی به عنوان دیدگاه یک فقیه، متکلم و مفسر بزرگ شیعی بسیار حائز اهمیت است و از جهات گوناگون به توسعه دید اندیشه‌وران در مباحث قرآن‌شناسی کمک می‌کند.

طبرسی همچون بعضی دیگر از مفسران شیعی روایت ابوبکر شعبه بن عیاش را بر روایت حفص از عاصم ترجیح داده و آن را در تفسیر خود متن قرار داده و بر محور آن، موارد اختلافات حفص و دیگران را با روایت شعبه متذکر شده است. حضور چنین ویژگی کم نظیری در مجمع البیان پژوهشی ویژه را می‌طلبد که تاکنون انجام نپذیرفته است. این

پژوهش به دنبال آن است تا میزان توجه شیخ طبرسی در مورد قرائات را بررسی کند و سپس میزان اهتمام به قرائات را در تفسیر آیات را بسنجد و به این پرسش پاسخ دهد آیا شیخ طبرسی مانند برخی دیگر از مفسران سنی و شیعی، قرائت یا روایت خاصی را محور تفسیر قرار داده است؟

همچنین لازم به ذکر است که در این پژوهش، عدم تواتر قرائات سبعة و معتبر نبودن همه آنها مبنا قرار گرفته است و آنچه متواتر است، سیاهه قرآن است که مسلمانان با جدیت و حرص تمام، آن را فرا گرفته و حفظ می‌نمودند و بر رسول اکرم ﷺ قرائت می‌کردند و از زمان پیامبر اکرم ﷺ به بعد هر زمان که قرآن نوشته می‌شد، هزاران نفر آن را حفظ می‌کردند و حافظان مراقبت می‌نمودند و اگر قرآن اشتباه نوشته می‌شد، آن را تصحیح می‌کردند؛ لذا این سیاهی که به دست ما رسیده، قطعاً خدشه‌پذیر نیست و هر آنچه غیر از سیاهی است، امری مشکوک و تأمل برانگیز است. پس نباید امر قطعی را واگذار و به مشکوک عمل کرد (طیب، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۱/ ۳۱-۳۲). ابوزهرة نیز در این زمینه معتقد است نص مکتوب قرآن بیش از یکی نبوده و آن نص واحد، تحمل قرائات سبعة را داشته است، اما هیچ‌گونه تغییری نیافته است (ابوزهرة، المعجزة الكبرى القرآن، ۱۴۱۸: ۳۶؛ الکافی، کلینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۶۳۳، ح ۲۳).

نحوه انعکاس قرائات در مجمع البیان

در این نوشتار ترجیح قرائات در شش جزء نخست قرآن در تفسیر مجمع البیان بررسی می‌شود.

از مجموع ۸۵۴ مورد ذیل ۲۰۷ آیه، اختلاف قرائات به تفکیک هر یک از شش جزء نخست قرآن بدین شرح است:

جزء اول ۵۷ مورد، جزء دوم ۲۹ مورد، جزء سوم ۳۷ مورد، جزء چهارم ۳۱ مورد، جزء پنجم ۲۹ مورد و جزء ششم، ۲۳ مورد؛ بنابراین، از مجموع آیات در این محدوده، ذیل ۲۴٪ آیات قرآن در مجمع البیان اختلاف قرائات گزارش شده است. البته برخی از آیات دارای چندین کلمه هستند که درباره آنها اختلاف قرائات نقل شده است. در ارائه این آمار فقط متن آیه ملاک بوده نه تعداد کلمات هر آیه.

۱- انواع تغییر واژگان در قرائات

بدیهی است وجوه تغییرات واژگان در قرائات مختلف است. تغییر در اعراب، تغییر در تلفظ (تجوید کلمات)، تغییر در نوشتار، اضافه شدن همزه، اضافه شدن حرفی به جای حرف دیگر، حذف یا اضافه شدن تشدید، تغییر صیغه مخاطب به غایب و بالعکس از جمله این تغییرات است. وجوه تغییرات واژگان در مجمع البیان لعلوم القران در شش جزء نخست بر اساس هر یک از موارد مزبور در نمودار نشان داده شده است. بیشترین تغییر در اعراب کلمات و کمترین آن در جابه‌جایی تشدید است (ر.ک: نمودار ب در پیوست).

جدول اختلاف قرائات

تغییر	نمونه	کیفیت تغییر کلمه
ارجلکم	أَرْجُلُكُمْ	۱. تغییر در اعراب
با اماله و بدون اماله قرائت شده است.	علی ابصارهم	۲. تغییر در تلفظ (تجویدی)
غشوه	غشاوه	۳. تغییر در نوشتار
ننشرها	ننشزها	۴. اضافه شدن حرفی به جای حرف دیگر
کفلها	کفلها	۵. حذف تشدید
یطوع	تطوع	۶. اضافه شدن تشدید
یکفروه	تکفروه	۷. تغییر صیغه مخاطب به غایب
تقبل	یقبل	۸. تغییر فعل مذکر به مؤنث

۲- چگونگی یادکرد قاریان

طبرسی در بیان قرائت هر قاری از شیوه منظمی به شرح زیر پیروی می‌کند:

الف) آوردن اسم قاریان بدون اشاره به شهر و بلادی که بدان منسوب‌اند.

۱- ﴿وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ﴾ (آل عمران / ۱۷۶): القراءة: قرأ نافع فی جميع القرآن «یحزن» بضم الیاء و کسر الزای إلا قوله «لا یحزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ» فإنه فتحها و ضم الزای و قرأ الباقون فی جميع القرآن بفتح الیاء و ضم الزای (طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ۱۳۸۲: ۲ / ۸۹۰).

۲- ﴿وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ﴾ (آل عمران / ۱۸۳)

القراءة: قرأ ابن عامر وحده «و بالزبر» بالباء و كذلك هی فی مصاحف الشام كما فی فاطر و الباقون بغیر باء (همان، ۲ / ۹۰۰).

ب) آوردن نام یکی از شهرها و بلاد اسلامی، بدون اشاره به نام قاریان منسوب به آن مکان‌ها:

۱- ﴿بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (بقره/ ۱۰): قرأ أهل الكوفة «يَكْذِبُونَ» بفتح الياء مخففاً و الباقون يكذبون (همان، ۱/ ۱۳۴).

۲- ﴿لَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً﴾ (بقره/ ۴۸): قرأ أهل مكة و البصرة «لا تقبل» بالتاء و الباقون بالياء (همان، ۱/ ۲۲۱).

۳- ﴿أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ﴾ (بقره/ ۸۱): قرأ أهل المدينة «خطيئته» على الجمع و الباقون على التوحيد (همان، ۱/ ۲۳۵).

ج) تصریح به نام قاری دارای یک قرائت خاص و یاد کرد تلویحی از قاریان دیگر باعنوان کلی «الباقون»:

۱- ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ﴾ (بقره/ ۳۶): القراءه: قرأ حمزة «فأزلهما» بالألف و الباقون «فأزلهما» (همان، ۱/ ۱۳۵).

۲- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (بقره/ ۱۸۵): «القراءة: قرأ أبو بكر عن عاصم و لتكملوا بالتشديد و الباقون «لتكملوا» بالتخفيف و قرأ أبو جعفر العسر و اليسر بالتثقیل فیهما و الباقون بالتخفيف» (همان، ۲/ ۴۹۷).

۳- ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ﴾ (نساء/ ۱): «القراءة: قرأ حمزة و الأرحام بالجر و الباقون بالنصب» (همان، ۳/ ۵).

۳- دقت در نقل از راویان «أئمه قرائات»

امین الاسلام طبرسی در گزارش قرائات دقیق است؛ به طوری که مثلاً اگر از تعبیر اهل عراق، جز عاصم مراد باشد، آن را گزارش می کند، حتی اگر دو راوی یکی از قُرَاء سبعه در نقل قرائتی از او با هم تفاوت داشته باشند، تصریح می کند که کدام مراد است:

۱- ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا﴾ (بقره/ ۲۷۹) «قرأ عاصم برواية أبي بكر غير ابن غالب و البرجمی و حمزة «فأذنوا» بالمد و كسر الذال و الباقون «فأذنوا»» (همان، ۳/ ۱۸۹).

در این نمونه، طبرسی تصریح می نماید که قرائت عاصم به روایت ابوبکر را به جز طریق ابن غالب و برجمی - که از طرق روایت ابوبکر هستند - گزارش می کند.

۲- ﴿بِالْبُخْلِ﴾ (نساء/ ۳۷) قرأ أهل الكوفة غير عاصم «بالبخل» بفتح الباء و الخاء و كذلك في سورة الحديد و الباقون «بالبخل» بالضم (همان، ۵/ ۱۴۴).

عاصم جزو قاریان کوفه است، اما در اینجا کوفیان به غیر از عاصم، کلمه را متفاوت با او قرائت نموده‌اند.

۳- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ﴾ (مائده / ۲): قرأ ابن عامر و أبو بكر عن عاصم و إسماعيل عن نافع شنان بسكون النون الأولى في موضعين و الباقون «شَنَاٰنُ» بفتحها (همان، ۶ / ۱۸۵).
 دو راوی عاصم، ابوبکر و حفص هستند که در اینجا هریک از آن دو، به گونه‌ای مختلف کلمه را از عاصم روایت کرده‌اند و به حفص در عنوان فراگیر «الباقون» تلویحاً اشاره شده است.

۴- فراوانی نقل و گزارش قرائات

هر چند عنایت شیخ طبرسی به قرائات ده گانه روشن است، در نقل قرائات به قاریان هفت گانه و ده گانه اکتفا نکرده، بلکه قرائت قاریان چهارده گانه و همچنین قرائت شهرهای دیگر را که مشهورند و به عنوان امام شناخته می‌شوند، گزارش می‌کند؛ مانند: حمید بن قیس اعرج مکی، عاصم جحدری، شرع بن یزید حضرمی شامی. اینکه طبرسی افزون بر قرائات قاریان ده گانه سایر قرائات را نیز آورده، شاید بدین دلیل بوده که اهل عصرش - به خصوص اهل نظر- به آن قرائت‌ها اهتمام داشته و طبق آنها تلاوت می‌کرده‌اند (جراحی، منهج الشیعه الامامیه الاثنی عشریه فی التفسیر القرآن الکریم، ۱۴۳۰: ۴۲۴)؛ مانند قرائت محمد بن سهل سجستانی. در این راستا او به قرائت‌های منقول از صحابه هم توجه داشته است؛ برای نمونه، قرائت ابن عباس - صحابی - را نیز گزارش نموده است:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران / ۱۸) «قال الزجاج و روى عن ابن عباس قال: «إنه لا إله إلا هو» بكسر الألف و القراءة «أنه» بالفتح» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲ ش: ۲ / ۷۱).

در جدول (۲.۳) درجه فراوانی اسامی قاریان را در بخش «القراءة» تفسیر مجمع البیان نشان داده شده است.

اعداد در جدول بر تعداد و دفعات ذکر نام راوی دلالت دارند.

۵- نقل اقوال بدون اظهار نظر

مبحث قرائات نیز همانند سایر بخش‌های دیگر این تفسیر است^[۳] و مفسر در اختلاف قرائات اغلب صراحتاً به انتخاب و ترجیح نمی‌پردازد. او حجت تمامی قرائات را ذکر و سعی می‌کند آنها را توجیه و میان آنها موازنه برقرار کند؛ هرچند در مواردی به ارزش‌گذاری برخی قرائات و ترجیح بعضی بر بعضی دیگر پرداخته است.

۶- محدوده گزارش قرائات

صاحب مجمع البیان با اینکه در بخش وسیعی از تفسیر خود به بیان اختلاف قرائات و حجیت آنها پرداخته است، در جزئیات و موارد غیر مرتبط با تفسیر غرق نشده و کوشیده است به برخی مقوله‌ها مانند مباحث ریز تجویدی یا قرائتی که در خور تفسیر نیست، نپردازد؛ برای نمونه، ذیل آیه ۱۹ سوره بقره در قسمت الحجه می‌نویسد: بیان اختلافات قراء کلام را طولانی می‌کند و تعمق در حجت (دلایل و استدلال آنها) از لحاظ نحوی برانده تفسیر قرآن نیست: «... و للقراء فی الإمالة مذاهب و اختلافات یطول استقصاؤها و أبوعلی الفارسی رحمته قد بلغ الغایة و جاوز النهایة فی احتجاجاتهم و ذکر من التحقیق فیها و التدقیق ما ینبوعنه فهم کثیر من علماء الزمان فالتعمق فی ایراد أبوابها و حججها و الغوص إلى لججها لا یلیق بتفسیر القرآن» (همان، ۱/ ۵۶).

۷- قرائت مبنا در مجمع البیان

ذیل آیه «أَفَلَا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا کَثِیرًا» (نساء/ ۸۲) می‌توان اظهارنظر صریح نکردن امین الاسلام طبرسی را در ترجیح قرائات بر یکدیگر در پرتو این آیه رمزگشایی کرد. او در تفسیر بخشی از آیه می‌نویسد: «اگر قرآن از جانب خداوند نبود از اختلاف و تناقض خالی نبود... اختلاف در کلام بر سه قسم است؛ اختلاف تناقض، اختلاف تفاوت و اختلاف تلاوت. اختلاف نوع اول و دوم در قرآن وجود ندارد، اما اختلاف تلاوت (قرائت)، نظیر اختلافاتی است که در وجوه قرآن است و در تعداد آیات و سوره‌ها و احکام از لحاظ ناسخ و منسوخ وجود دارد. این گونه اختلافات در قرآن موجود است و همه آنها حق و صواب است» (همان، ۳/ ۱۲۷).

از آنجا که مقوله اختلاف قرائات به رسمیت شناخته شده، وی در بخش «المعنی» که همان بخش تفسیری مجمع البیان است، در مواردی آیه را بر اساس غیر روایت حفص از عاصم ذکر کرده و سپس تفسیر می‌نماید؛ هر چند در ادامه، همانند شیوه همیشگی به بیان قرائات دیگر نیز می‌پردازد. به بیان روشن‌تر وی هنگامی که بخشی از آیه را در قسمت المعنی می‌آورد و سپس تفسیر می‌نماید، در پراکنش آیه را بر اساس قرائت غیر حفص (بیشتر شعبه از عاصم) بیان می‌نماید؛ برای نمونه:

۱. «وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ کَیْفَ نُنْشِرُهَا» (بقره/ ۲۵۹)

طبرسی در بخش القرائة اختلاف قرائات وارده را بیان می‌کند: القرائة: قرأ أهل الحجاز و البصرة «ننشرها» بضم النون الأولى و بالراء و قرأ أهل الكوفة و الشام «ننشرها» بالزای و روی أبان عن عاصم «ننشرها» بفتح النون و ضم الشین و بالراء (همان، ۱/ ۳۷۰)

طبرسی سپس در بخش تفسیری مجمع البیان قرائت أبان از عاصم را مبنای تفسیر خود قرار داده و ابتدا بر اساس آن و سپس بر اساس قرائت دیگر تفسیر را بیان می‌کند:

المعنى: «و انظر إلى العظام كيف نشرها» كيف نحييها و بالزاي كيف نرفعها من الأرض فنردها إلى أماكنها من الجسد و تركيب بعضها على بعض (طبرسی، همان، ۱/ ۳۷۳).

۲. ﴿ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا﴾ (بقره/ ۲۶۰)

طبرسی می‌نویسد:

القرائة: قرأ عاصم في رواية أبي بكر جزءا مثقلا مهموزا [=جُزْءًا] حيث وقع و قرأ أبو جعفر جزءا مشددا و الباقون بالهمز المعنى: قد تقدم بيانه في وجه القراءة» (همان، ۱/ ۳۷۳).

در این مورد، طبرسی قرائت ابوبکر از عاصم را اصل قرار داده است. در نسخه علامه شعرانی در بخش «المعنى» اصل نوشتار بدون همزه است، اما بسیار واضح است که با قلم در آن دستکاری شده و به قرائت حفص تغییر داده شده است.

۳. ﴿وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (بقره/ ۲۷۱)

القراءة: «قرأ أهل المدينة و الكوفة غير عاصم و تكفر بالنون و الجزم و قرأ ابن عامر و حفص بالياء و الرفع و الباقون بالنون و الرفع».

المعنى: «كَفَّرَ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ» معناه و نمحو عنكم خطيئاتكم و نغفرها لكم و من قرأ بالرفع فمعناه و نحن تكفر عنكم أو يكفر الله عنكم من سيئاتكم» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲: ۱/ ۳۸۴؛ دانی، التيسير في القرائات السبع، ۱۴۲۶: ۷۱).

با دقت نظر در بخش «المعنى» معلوم می‌شود که شیخ طبرسی قرائت غیر ابن عامر و حفص یعنی بقیه قاریان از جمله راوی دیگر عاصم ابوبکر بن عیاش را مبنای تفسیر این آیه قرار داده است.

۴. ﴿وَ مَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يَكْفُرُوهُ هُوَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۱۵)

القرائة: قرأ أهل الكوفة إلا أبا بكر بالياء فيهما و الباقون بالتاء إلا أبا عمرو فإنه كان يخير.

المعنى: «و ما تفعلوا من خير» أى من طاعة «فلن تكفروه» أى لم يمنع عنكم جزاؤه و سمي منع الجزاء كفرا على الاتساع لأنه بمنزلة الجحد و الستر له و معناه لا تجحد طاعتكم و لا تستر بمنع الجزاء و هذا كما يوصف الله تعالى بأنه شاکر (همان، ۱/ ۴۹۰؛ ابن جزری، النشر في القرائات العشر، بی تا: ۲/ ۲۴۱؛ دانی، التيسير في القرآن السبع، ۱۴۲۶: ۷۵).

در اینجا نیز آیه را در قسمت تفسیری کتاب خویش، بر اساس قرائت ابوبکر از عاصم آورده است.

۵. ﴿سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾ (نساء / ۱۵۲)

القرائة: قرأ حفص «يؤْتِيهِمْ» بالياء و الباقون «نؤْتِيهِمْ» بالنون.

المعنى: «أولئك سوف نؤتيهم» أي سنعطيهم أجورهم (همان، ۲ / ۱۳۲؛ دانی، التيسير فى القرائات السبع، ۱۴۲۶: ۸۱؛ ابن جزرى، النشر فى القرائات العشر، بی تا: ۲ / ۲۵۱).

با توجه به آنچه طبرسى ذیل آیه مطرح کرده، احتمال اشتباه چاپی یا نقطه گذاری کاملاً منتفی است؛ زیرا آنچه در بخش تفسیر می‌آورد، نشان می‌دهد که وی قرائت غیر حفص یعنی قرائت راوی دیگر عاصم ابوبکر بن عیاش و باقی قاریان را مد نظر داشته است.

البته این شیوه، منحصر به مجمع البیان نیست، بلکه مفسران بزرگ معاصر ایشان نیز تفاسیر خود را براساس قرائتی غیر از حفص بنا نهاده‌اند؛ برای مثال، تفسیر کشف زمخشری بر پایه قرائت ابوعمر و بصری است و در مورد تفسیر ابوالفتوح رازی نیز مصححان این تفسیر در مورد کار خود این گونه نوشته‌اند:

«شماره‌گذاری آیات بر مبنای قرائت حفص و همان است که مثلاً در المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم فؤاد عبد الباقی و اکثر قرآن‌های منطبق بر روایت مورد قبول شیعه آمده است؛ بنابراین، اگر گاهی شماره آیه‌ای که در مقدمه هر سوره توسط مؤلف داده شده با شماره آیات این چاپ منطبق نیست، دلیلش بی‌گمان ناشی از تفاوت قرائت مورد قبول شیخ و قرائتی خواهد بود که ما بدان تکیه کرده‌ایم» (ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فى تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: مقدمه).

۸- حجه القرائات

کتاب «الحجه» از نخستین کتاب‌هایی است که درباره قرائات هفت‌گانه نوشته شده است. در روزگار ابوعلى فارسى قرائت قرآن به عنوان علمى مستقل شناخته مى‌شد و ابن مجاهد، استاد ابوعلى، با نوشتن کتابى با عنوان السبعة فى القرائات قرائات هفت‌گانه را رسمیت بخشید.

«الحجه» علاوه بر ارزش و اعتبارى که در علم قرائت دارد، حاوى مطالب ارزشمندی در علوم لغت، صرف و نحو است که سخت درخور اهمیت می‌باشد. این کتاب به کوشش على نجدى، عبدالحلیم نجار و عبدالفتاح شلبی در قاهره در هفت جلد به چاپ رسیده است.^[۴]

طبرسی پس از بیان قرائات مختلف در بخش القراءة به بیان وجوه قرائات، علل و توجیه آنها در بخشی تحت عنوان الحجة می‌پردازد^[۵] که بیشتر متأثر از ابوعلی فارسی (۳۷۷-۲۸۸ ق) است. از جمله آثار ابو علی ابیات الاعراب، التکمله، الايضاح، اقسام الاخبار، الحجة فی علل القرائات السبع و... می‌باشد (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ۱۳۷۳: ۵۰).

طبرسی نیز مانند ابوعلی فارسی همین روش را در پیش گرفته و در جای جای بخش های مرتبط به حجت قرائات، نام او را مطرح نموده و به گزارش قول ایشان می‌پردازد، بی‌آنکه او را نقد کند؛ گویی طبرسی با ابوعلی هم رأی است که به نقل قول او بدون نقد می‌پردازد. الحجة در تفسیر مجمع البیان، گاهی به التبیان شیخ طوسی شباهت پیدا می‌کند.

۹- ایجاد توازن میان قرائات مشهور و شاذ

طبرسی با اینکه ندرت و دیریابی قرائات شاذ و خروج محتمل آنها از اسالیب و سنن لغت و مخالفتشان با قواعد صرف و نحو را مورد توجه قرارداده است، درعین حال به احتجاج، توجیه و بیان موافقت بعضی از آنها (قرائات شاذ) با معانی قرائات مشهور نیز می‌پردازد؛ مانند:

۱. ﴿وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (نساء/ ۹۵)

القراءة: قرأ حمزة و الأرحام بالجر و الباقون بالنصب و قرئ فی الشواذ و «الأرحام» بالرفع. الحجة: و أما القراءة الشاذة فی رفع «الأرحام» فالوجه فی رفعه علی الابتداء أی و الأرحام مما يجب أن تتقوه و حذف الخبر للعلم به (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲: ۳/ ۱۴۹؛ ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲/ ۲۴۷).

طبرسی در اینجا، در کنار بیان حجت قرائات گزارش شده، حجت قرائت شاذ را نیز طرح نموده است.

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ (مائده/ ۱)

القراءة: المشهور فی القراءة «حُرْمٌ» بضمه و فی الشواذ عن الحسن و يحيى بن وثاب «حرم» ساكنة الراء (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲: ۳/ ۲۳۴؛ ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۲/ ۲۵۴).

الحجة و هذا كما يقال فی رسل و كتب رسل و كتب قال ابن جنی فی إسكان «حُرْمٌ» مزية و ذلك أن الراء فيه تكرير فكادت الراء الساكنة لما فيها من التكرير تكون فی حكم المتحرك كزيادة الصوت بالتكرير نحو من زيادته بالحركة.

در این بخش طبرسی علاوه بر بیان حجت قرائت شاذ، مزیتی هم برای آن از زبان ابن جنی بیان داشته است؛ یعنی این قرائت شاذ خصوصیت و مزیتی دارد که قرائت مشهور فاقد آن است این قسم توجه به یک قرائت شاذ و تأیید و تثبیت آن از سوی طبرسی در نوع خود بسیار مهم و جالب توجه است.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (الفاتحه/ ۲)

القراءة: أجمع القراء على ضم الدال من «الحمد» و كسر اللام من «الله» و روی فی الشواذ بكسر الدال و اللام، و بفتح الدال و كسر اللام، و بضم الدال و اللام. طبرسی در القرائه گزارش می‌کند؛ قاریان در کلمه «الحمد» بر ضم دال و در «الله»، به کسر لام اجماع کرده‌اند، همچنین در شواذ با کسر دال و لام، فتح دال و کسر لام و ضم دال و لام روایت شده است. سپس به بیان حجت هر کدام از آن قرائات می‌پردازد و با توجیه آنها به نوعی موازنه برقرار می‌نماید^[۶] (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲: ۱/ ۹۶). در حقیقت، طبرسی با احتجاج و توجیه قرائات مشهور و شاذ بر اساس لغت، نحو و لغت، میان قرائات مختلف توازن ایجاد می‌کند. این امر حاکی از رویکرد ایجابی طبرسی به مقوله قرائات و اهتمام وی به برقراری موازنه مثبت تا حد امکان در میان قرائات مختلف است.

۱۰- ارزش‌گذاری قرائات

طبرسی در بخش‌های مختلف القرائه، الحجه، الاعراب و المعنی ضمن بیان قرائات گوناگون و حجت‌های هر یک، در اکثر موارد در مقام ترجیح قرائتی بر قرائت دیگر برنیامده است، لکن در مواردی به ارزش‌گذاری آنها پرداخته است.

۱. تقویت قرائت عاصم و ترجیح آن بر قرائات دیگر

با تأمل در بخش الحجه مجمع البیان لعلوم القرآن معلوم می‌شود که مفسر در بعضی آیات قرائت عاصم را به گونه‌ای تقویت و بر سایر قرائات ترجیح داده است، در این گونه موارد ممکن است قرائت عاصم قرائت گروهی دیگر نیز باشد، لکن چون در اینجا تقویت و ترجیح قرائت عاصم بر سایر قرائات - که متفاوت با قرائت او هستند - مد نظر ما بوده است، از اشاره به دیگرانی که چون عاصم قرائت کرده‌اند، خودداری شده است. ملاحظه نمونه‌های ذیل این مطلب را روشن می‌سازد.

الف) شبیه‌تر بودن قرائت عاصم به ما قبل و مابعد کلمه

﴿لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (بقره/ ۱۰)

قرأ أهل الكوفة «يَكْذِبُونَ» بفتح الياء مخففاً و الباقون يكذبون [يَكْذِبُونَ] (همان، ۱/ ۱۳۵) در این آیه، طبرسی با توجه به آنکه قرائت کوفیان (عاصم و دیگران)، به ما قبل و مابعدش شباهت بیشتری دارد، اولی می‌داند.

ب) اقوی بودن قرائت عاصم

﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا﴾ (بقره/ ۳۴)

در این آیه نیز قرائت همه از جمله عاصم را در قبال قرائت ابوجعفر اقوی دانسته شده است: «قرأ أبو جعفر وحده للملائكة اسجدوا» بضم التاء حيث وقع (همان، ۱/ ۱۸۹).

ج) هماهنگی قرائت عاصم با قرائت اکثر قراء (باقون)

﴿قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ﴾ (بقره/ ۵۸)

قرأ أبو جعفر و نافع «يَغْفِر» بالياء مضمومة و الباقون «نَغْفِرْ لَكُمْ» بالنون و هو الاختيار (همان، ۱/ ۲۴۷). در این آیه طبرسی «نغفر لكم» را بر می‌گزیند که با قرائت اکثر قراء هماهنگ است.

د) فصیح‌تر، پرتعدادتر و به تفسیر نزدیک‌تر بودن قرائت عاصم

﴿و النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ﴾ (بقره/ ۶۲)

قرأ نافع بترك الهمزة من «الصابئين» و الصابئون في كل القرآن و الباقون يهمزون (همان، ۱/ ۲۴۷).

در این آیه طبرسی به دلیل فصیح بودن و نزدیک‌تر بودن به معنای تفسیری، قرائت عاصم را انتخاب می‌کند: «معناه انتقال من دينهم إلى دين لم يشرع لهم فيكون على قلب الهمز و قلب الهمز على هذا الحد لا يجيزه سيويه إلا في الشعر فدل على أن القائل لذلك غير فصيح و أنه مخلط في لغته فالاختيار الهمز و لأنه قراءة الأكثر و إلى التفسير أقرب».

۱۰۵

ه) ترجیح قرائت عاصم به دلیل امتناع (روا نبودن) قرائت مقابل

﴿فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (بقره/ ۱۱۷)

«قرأ ابن عامر «فيكون» بالنصب و الباقون بالرفع».

در این آیه ابن عامر بر خلاف همه قراء «فيكون» را به نصب خوانده است، طبرسی قرائت عامر را روا نمی‌داند (ر.ک: همان، ۱/ ۳۶۸).

و) ترجیح قرائت عاصم به دلیل شباهت افزون تر به دیگر موارد نزول

﴿وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ﴾ (بقره/ ۱۲۶)

القرائه: «قرأ ابن عامر «فأمتعه» بسكون الميم خفيفة من أمتعت و الباوق بالتشديد و فتح الميم من متعت».

اختلاف قرائت در آیه مذکور در مورد «فأمتعه» است که طبرسی با استناد به الحجه ابوعلى فارسى قرائت عاصم را به دليل شباهت بيشتتر به ديگر موارد نزول ترجيح مى دهد: الحجه: «قال أبو على التشديد فى «فَأَمَّتُّهُ» أولى لأن التنزيل عليه قال سبحانه يَمْتَعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا وَ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ وجه قراءة ابن عامر إن أمتع لغة» (همان، ۱/ ۳۸۷).

ز) اجود (بهتر و نيکوتر) بودن قرائت عاصم

﴿الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ﴾ (بقره/ ۱۷۳)

القرائه: قرأ أبو جعفر الميته مشددة كل القرآن.

در اين آيه مفسر قرائت عاصم را نيکوتر مى داند (همان، ۲/ ۴۶۷).

ح) انطباق بيشتتر قرائت عاصم با معنای مورد نظر

﴿فَلَا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِى الْحَجِّ﴾ (بقره/ ۱۹۷)

القرائه: قرأ ابن كثير و أبوعمر و يعقوب «فلا رفث و لا فسوق» بالرفع «و لا جدال» بالفتح و قرأ أبو جعفر جميع ذلك بالرفع و التنوين و قرأ الباوق الجميع بالفتح.

در اين آيه طبرسى قرائت عاصم را با معنای مورد نظر از آيه منطبق تر مى داند (همان، ۲/ ۵۲۳).

ط) ترجيح قرائت عاصم به دليل رساندن مفهوم مناسب [تر] براى تعبير مورد نظر

﴿إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾ (بقره/ ۲۱۹)

«قرأ أهل الكوفة غير عاصم «إثم كثير» بالثاء و الباوق بالباء».

طبرسى مى گوید: اهل کوفه جز عاصم، إثم كثير قرائت کرده اند. اما با توجه به معنای اثم، كبير (قرايت عاصم) شايسته است.

۱۱- روشن و واضح بودن قرائت عاصم

﴿وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران/ ۲۱)

القرائه: قرأ حمزة «يقاتلون» بالألف و قيل إنما قرأها اتباعا لمصحف عبد الله بن

مسعود لأن فيه «و قاتلوا الذين يأمرؤن» و الباوق «يقتلون» و هى القراءة الظاهرة» (همان، ۲/ ۷۲۰).

در این نمونه به نام و قرائت عاصم ذیل عنوان کلی «الباقون» اشاره شده است و «یقتلون» در مقایسه با «یقاتلون» قرائت واضح دانسته شده است.

۱۲- مؤید بودن قرائت عاصم به روایت حفص با سیاق آیه

﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ﴾ (آل عمران / ۳۶)

القرائه: قرأ ابن عامر و أبوبکر عن عاصم و یعقوب «بما وضعت» بضم التاء و روی عن علی (عليه السلام) و قرأ الباقون «وَضَعْتَ» على الحکایة.

در مورد کلمه «وضعت» به رفع یا ضم تاء سیاق آیه مؤید روایت حفص از عاصم است. الحجة: «من قرأ بضم التاء جعله من كلام أم مریم و من قرأ بإسكان التاء جعل ذلك من قول الله تعالى و يقوى قول من أسكن التاء قوله ﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ﴾ و لو كان من قول أم مریم لقاتل (و أنت أعلم بما وضعت) لأنها تخاطب الله تعالى» (همان، ۲ / ۳۳۸).

۱۳- قرائت عاصم، قرائت پایه و اصل

﴿... قَدْ جِئْتَكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (آل عمران / ۴۹)

القرائه: قرأ نافع «إني أخلق» بكسر الألف و الباقون «أني» بالفتح.

در این آیه قرائت عاصم، قرائت پایه و اصل است که «أخلق» را با الف خوانده است (همان، ۲ / ۷۵۲).

معنای سخن طبرسی آن است که قرائت به فتح همزه در «أني أخلق» که قرائت عاصم هم همین است، قرائت اصل است که احتمال دوم در قرائت به کسر همزه در «إني أخلق» نیز به دلیل آنکه با قرائت به فتح در معنا همانند است، احتمال بهتر از میان دو احتمال دانسته شده است.

۱۴- صحیح دانستن قرائت عاصم به روایت حفص با بیان نادرستی و ناروایی قرائت مخالف

﴿وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا﴾ (آل عمران / ۷۵)

القراءة: قرأ حمزة و أبوبکر عن عاصم يؤده بسكون الهاء و روی نحوه عن أبی عمرو و قرأ أبو جعفر و یعقوب بكسر الهاء مع الاختلاس و هو الصحيح من مذهب أبی عمرو و الباقون بالكسر و الإشباع.

در مورد کلمه «لا یوده» طبرسی قرائت عاصم را صحیح دانسته و قرائت مقابل را که با سکون خواندن همزه است، نادرست و غلط می‌خواند (همان، ۲/ ۷۷۸).

۱۵- تقویت قرائت غیر عاصم

طبرسی در مواردی، هر چند به بیان حجت قرائت پرداخته، اهتمام بیشتری به یک دسته از آنها داشته و دلایل بیشتری را مطرح یا با عباراتی نظیر «تحسن هذه القرائه» آن را ستوده است. این امر به نوعی نشانگر ارزش‌گذاری بیشتر نسبت به قرائت مقابل است. در ادامه به مواردی اشاره می‌نماییم.

الف) جهات دوگانه جواز قرائت ابن عامر

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ﴾ (بقره/ ۱۱۶)

ابن عامر بر خلاف عاصم و دیگران کلمه «قالوا» را بدون واو قرائت کرده است. طبرسی دو حجت قرائت او را این گونه بیان می‌کند:

الحجة: «حذف الواو هنا يجوز من وجهين (أحدهما) أن يستأنف الجملة فلا يعطفها على ما تقدم (و الآخر) أن للجملة التي هي «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَكَلَدًا» ملابسة بما قبلها من قوله «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ» الآية فَإِنَّ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا مِنْ جُمْلَةٍ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ تَقْدِمُ ذِكْرَهُمْ فَيَسْتَعْنِي عَنِ الْوَاوِ لِاتِّبَاسِ الْجُمْلَةِ بِمَا قَبْلُهَا كَمَا اسْتَعْنَى عَنْهَا فِي نَحْوِ قَوْلِهِ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» و لو كان و هم فيها خالدون لكان حسنا» (همان، ۲/ ۵۹۷).

ب) تأکید بیشتر در قرائت غیر حفص از عاصم

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ﴾ (بقره/ ۲۷۹)

القراءة: «قرأ عاصم برواية أبي بكر غير ابن غالب و البرجمي و حمزة «فَأْذَنُوا» بالمد و كسر الذال و الباقون «فَأْذَنُوا...».

در این آیه طبرسی قرائت غیر از حفص از عاصم را در بلاغت مؤکدتر دانسته است (ر.ک: همان، ۲/ ۶۷۴).

ج) بهتر بودن قرائت غیر عاصم به سبب مشاکلت آن با سیاق کلمات پیش از خود

طبرسی قرائت غیر عاصم را به سبب مشاکلت آن با ماقبلش بهتر دانسته است:

﴿فَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ﴾ (بقره/ ۲۸۴)

او در مورد این مشاکلت نوشته است:

الحجة: «قال أبو علي وجه قول من جزم أنه اتبعه ما قبله و لم يقطعه منه و هذا أشبه بما عليه كلامهم ألا ترى أنهم يطلبون المشاكلة و يلزمونها ... فكذلك ينبغي أن يكون الجزم أحسن ليكون مشاكلا لما قبله في اللفظ و هذا النحو من طلبهم المشاكلة كثير و من لم يجزم قطعه من الأول و قطعه منه على أحد وجهين إما أن يجعل الفعل خيرا لمبتدء محذوف و إما أن يعطف جملة من فعل و فاعل على ما تقدمها» (همان، ۲/ ۶۸۷).

د) جواز و صحت قرائت غیر عاصم

﴿و سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (آل عمران / ۱۳۳)

القراءة: قرأ أهل المدينة و الشام «سارعوا» بغير واو و كذلك هو في مصاحفهم و الباقون بالواو و كذلك هو في مصاحف مكة و العراق.

در این آیه طبرسی قرائت «سارعوا» بدون واو را جایز می داند؛ بدین دلیل که جمله دوم آیه با جمله اول آن در آمیخته باشد (همان، ۲/ ۸۳۳).

ه) نیکوتر بودن قرائت غیر عاصم

طبرسی در قرائت ﴿مَنْ اتَّبَعَنِي﴾ (آل عمران / ۲۰) اثبات یاء در قرائت غیر عاصم را شایسته تر دانسته است:

الحجة: حذف الياء في أواخر الآي أحسن لأنها تشبه القوافي و يجوز في وسط الآي أيضا و أحسنها ما كان قبلها نون مثل قوله «وَمَنْ اتَّبَعَنِي» فإن لم يكن نون جاز و ما أشبه ذلك و الأجود إثبات الياء و إن شئت أسكنت الياء و إن شئت فتحتها (همان، ۲/ ۷۱۹).

طبرسی ذیل ﴿... أَحْسَنُونَ﴾ (مائده / ۴۴) در بیان حجت قرائت غیر حفص بر آن است که باقی ماندن یاء نیکوست:

الحجة: «قال أبو علي الإثبات حسن لأن الفواصل في أنها أواخر الآي مثل القوافي في أنها أواخر الآيات فمما حذف منه الياء في القوافي» (همان، ۳/ ۳۰۷).

۱۰۹

و) نیکو بودن ادغام دو حرف از دو کلمه در قرائت غیر عاصم

طبرسی نیکویی ادغام را در قرائت ابوعمر و حمزه متذکر شده است. وی ذیل آیه ﴿فَإِذَا بَرَأُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيْتَ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ﴾ (نساء / ۸) می نویسد:

الحجة: «إنما حسن إدغام التاء في الطاء للتقارب الذي بينهما بأنهما من حيز واحد» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲ ش: ۳/ ۱۱۹).

ز) شهرت فزون‌تر قرائت غیر عاصم

طبرسی گاهی قرائت دیگران را در استعمال رایج‌تر دانسته است وی ذیل آیه ﴿أَنْ يَصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا﴾ (نساء/ ۱۲۸) می‌نویسد:

الحجة: «الأعراف في الاستعمال «يصالحا» و زعم سيبويه أن بعضهم قرأ «يصلحا» فيصلحا يفتعلا و افتعل و تفاعل بمعنى و لذلك صحت الواو في اجتورا و اعتورا لما كان بمعنى تجاوروا و تعاوروا فهذا حجة لمن قرأ أن يصالحا» (همان، ۳/ ۱۸۴).

ح) بلیغ‌تر بودن قرائت غیر عاصم

طبرسی ذیل آیه ﴿غَيْرَ مُتَجَانِفٍ﴾ (مائده/ ۳) قرائت یحیی بن وثاب و ابراهیم که واژه را به جای باب تفاعل در باب تفعّل خوانده‌اند، بلیغ‌تر می‌داند.

۱۶- تقویت قرائت عاصم و غیر عاصم

همان‌طور که اشاره شد، طبرسی در بیشتر موارد میان قرائت نقل شده توازن بر قرار می‌کند، اما در مواردی به صراحت، قوی بودن همه آنها را بیان می‌دارد که به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌کنیم.

الف) قوی بودن قرائت عاصم و غیر عاصم

در آیه ﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ (بقره/ ۵۱) طبرسی در بخش القرائه بیان می‌دارد که ابوجعفر و اهل بصره «وعدنا» تلاوت کرده و بقیه قاریان «واعدنا» خوانده‌اند و پس از بیان حجت در الحجه می‌نویسد: «هر دو قرائت قوی‌اند» و درباره قرائت «اتخذتم» حجت هر دو قرائت را بیان می‌دارد بدون آنکه از برتری یکی بردیگری خبر دهد. که احتمال دارد حاکی از موضع مثبت طبرسی نسبت به هر دو قرائت باشد (همان، ۱/ ۲۳۳).

ب) جواز قرائت عاصم و غیر عاصم

طبرسی ذیل آیه ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ﴾ (آل عمران/ ۱۸) هر دو قرائت ذکر شده را به سبب جواز در زبان عربی جایز می‌داند: القراءة: «روى عن ابن عباس قال إنه لا إله إلا هو بكسر الألف و القراءة «أنه» بالفتح».

الحجة: ... يجوز في العربية فتحهما جميعا و كسرهما جميعا ... (همان، ۲/ ۷۱۷).

ج) نیکو بودن قرائت عاصم و غیر عاصم

طبرسی ذیل آیه ﴿وَسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نساء/۳۲). می‌نویسد: ابوعلی گوید هر دو نیکوست و با سکوت خود نشان می‌دهد با نظر استاد خود موافق است (همان، ۳/۵۸).

د) تساوی دو قرائت به عنوان دو لهجه در هر دو قرائت عاصم و غیر عاصم

طبرسی با توجه به اینکه دو قرائت، دو لهجه به شمار می‌روند، بر آن است که هر دو در یک رده هستند. وی ذیل ﴿كَرْهًا﴾ (نساء/۱۹) می‌نویسد: قرأ حمزة و الكسائي «كرها» بضم الكاف هنا و في التوبة و الأحقاف و وافقهما عاصم و ابن عامر و يعقوب في الأحقاف و قرأ الباقون بفتح الكاف في جميع ذلك. طبرسی در بخش الحجة می‌نویسد: «الكره و الكره لغتان مثل الضعف و الضعف و الفقر و الفقر و الالف و الالف» (همان، ۳/۳۹؛ نیز، ر.ک: ۳/۷۴؛ ۳/۷۶؛ ۳/۲۰۰).

ه) تقارب معنایی در هر دو قرائت عاصم و غیر عاصم

طبرسی در بخش المعنی با بیان اینکه معنای دو قرائت نزدیک به هم است، میان آنها توازن برقرار می‌کند (ر.ک: همان، ۳/۱۴۶).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَيَّبُوا﴾ (نساء/۹۴) القراءه: «قرأ أهل الكوفة غير عاصم فتبتوا هنا في الموضعين بالتاء و التاء في الحجرات و قرأ الباقون «فتبتوا» بالتاء و النون في الجميع»^[۷].

و) تساوی معنایی در هر دو قرائت عاصم و غیر عاصم

طبرسی دو قرائت در آیه ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ﴾ (مائده/۲) را یکسان می‌داند: القراءه: «قرأ ابن عامر و أبوبكر عن عاصم و إسماعيل عن نافع شنان بسكون النون الأولى في موضعين والباقون «شنان» بفتحها و قرأ ابن كثير و أبوعمر و إن صدوكم بكسر الهمزة و الباقون بفتحها» (همان، ۲/۲۴۳).

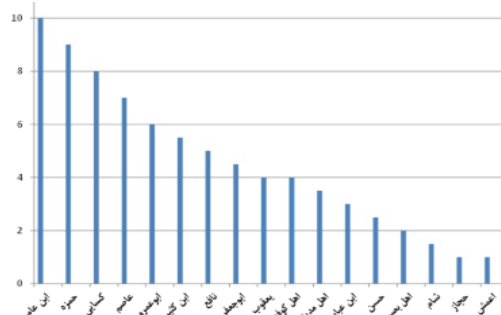
ز) جواز هر دو قرائت عاصم و غیر عاصم با توجه به تصریف کلمه

با توجه به ریشه کلمه، در هر دو قرائت جایز است از ریشه خاصی گرفته شده باشد. طبرسی اشتباه در اخذ ریشه را متذکر شده است (ر.ک: همان، ۳/۲۱۶).

نتیجه

۱. طرح مبحث قرائات در مجمع البیان، بیانگر به رسمیت شناختن مقوله قرائات مختلف و ترجیح بعضی بر بعض دیگر از سوی مؤلف است. طبرسی با اهتمام جدی و توجه ایجابی نسبت به اصل مقوله اختلاف و ترجیح قرائات، این فرآیند را عملاً به رسمیت شناخته است.
- ۲- اهتمام ویژه امین الاسلام طبرسی به اختلاف قرائات در تفسیر وی آشکار است، القرائة، الحجة و قسمتی از الاعراب، انعکاس این توجه خاص وی است. مفسر از نقل قرائات قاریان چهارده گانه مشهور فراتر رفته و قرائات صحابه، تابعین و شواذ را نیز نقل می‌کند. طبرسی قرائات را گزارش، تحلیل و بررسی و کمتر نقد یا اثبات می‌کند.
۳. دور از واقع نیست اغلب ترجیحاتی را که طبرسی در بخش الحجة از دیگران نقل کرده، مقبول و مطلوب خود او بدانیم؛ به همین سبب، آن ترجیحات را بدون کم و کاست و نظر خلاف آورده است. شواهد متعددی در کلام طبرسی هست که گزینش گر بودن طبرسی در قبول و رد مطالب و عدم نقل صرف را نشان می‌دهد.
۴. طبرسی غیر از توجه خاص به روایت حفص از عاصم، در موارد اختلاف قرائات و در مقام ترجیح یک قرائت بر قرائت دیگر، هنگام بیان حجت هر قرائت یا در مرحله بیان معنا و تفسیر آیه‌ها در برخی موارد، روایت دیگران را بر روایت حفص از عاصم ترجیح داده است. وی هنگامی که بخشی از آیه را در قسمت المعنی می‌آورد و سپس تفسیر می‌نماید، آیه را بر اساس قرائت غیر حفص و بیشتر شعبه از عاصم ذکر می‌کند. او با توجه به موارد اختلاف قرائت عاصم با قرائات دیگر، گاه بعضی از این قرائات را به جهات متفاوت نیکوتر و لذا مقبول‌تر از قرائت عاصم دانسته است.
۵. طبرسی به طور صریح در مقابل قرائات جبهه نمی‌گیرد و در الحجة سعی می‌کند میان آنها توازن برقرار نماید. همچنین در بخش المعنی که همان بخش تفسیری مجمع البیان است، در مواردی آیه را بر اساس غیر قرائت حفص از عاصم (بیشتر شعبه از عاصم) بیان و سپس بر اساس آن تفسیر می‌نماید؛ هر چند در ادامه، همانند شیوه همیشگی به بیان تفسیری قرائات دیگر نیز می‌پردازد.

درجه فراوانی اسامی قاریان در بخش «القرائة» تفسیر مجمع البیان



پی‌نوشت‌ها

[۱] برای آگاهی از جایگاه طبرسی، ر.ک: حسینی تفرشی، نقدالرجال، ۴/ ۱۹؛ عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء، ۴/ ۳۴۰؛ یوسف، حدائق الناضره، ۴/ ۱۹۴؛ نواب، کاوشی در زندگی علامه طبرسی، انتشارات علامه طبرسی، ۱۷۷؛ مساعد مسلم، اثر التطور الفکری فی التفسیر، ۲۲۴-۲۲۶؛ ذهبی، التفسیر والمفسرون، ۲/ ۱۰۴.

[۲] «فاعلم أن الظاهر من مذهب الامامیه انهم اجمعوا علی جواز القراءة بما يتداوله القراء بینهم من القراءات الا انهم اختاروا القراءة بما جاز بین القراء و کرهوا تجرید قرائة مفردة».

[۳] نمونه‌هایی برای توضیح بیشتر:

الف) طبرسی درباره حروف مقطعه هفت وجه را بیان می‌دارد، اما رأی خود را آشکار نمی‌کند و نمی‌توان دریافت که وی کدام نظریه را ترجیح می‌دهد.

ب) طبرسی در مجمع البیان، ۲۸ سوره را مدنی و ۸۶ سوره را مکی برشمرده است، اما درباره محل نزول بسیاری از سوره‌ها نظر قطعی نداده است؛ برای نمونه، درباره سوره حمد می‌نویسد: این سوره به قول ابن عباس و قتاده، مکی و به قول ابن مجاهد، مدنی است و بعضی معتقدند یک بار در مکه و بار دیگر در مدینه نازل شده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۸۲: ۸۷/۱).

ج) طبرسی قبل از تفسیر و تبیین معنای آیه، عموماً سبب نزول و رویداد مربوط به آن را بیان می‌کند و اگر مواردی از آیات سبب نزول‌های مختلف داشته باشد، آنها را نقل می‌کند و سپس آراء و نظریات مفسران را می‌آورد، به طوری که شناسایی رأی منتخب او دشوار و نیازمند دقت و تأمل است (ایروانی، رویکرد ادبی - تفسیری مجمع البیان، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

[۴] روش ابوعلی فارسی در «الحججه فی علل القرائات» به طور اختصار، به شرح ذیل است (ستوده‌نیا، تأثیر قرائات بر تفسیر، ۱۳۸۱: ۳۵):

- تعیین قرائات و علل آن مبتنی بر السبعه ابن مجاهد است.

- در توجیه قرائات ابتدا نظر ابوبکر بن سراج را می‌آورد و پس از آن، نظر خویش را با عبارت قال ابوعلی بیان می‌کند.

- پس از ذکر آرای نحویان به شواهد نحوی می‌پردازد و معمولاً نظرات کسانی چون خلیل بن احمد، سیبویه، کسایی، فراء، اخفش، مازنی، مبرد و ثعلب را از زوایای گوناگون مطرح و تحلیل می‌نماید.

- روش ابوعلی در توجیه قرائات، توجیه اکثر آنها بدون ترجیح میان آنهاست.

[۵] «القراءة» شامل بیان اختلاف قرائات در یک آیه یا چند آیه. «الحجّه» (حجّة القرائات)، شامل بیان توجیه قرائات مذکور دربخش القرائه و معمولابه نقل از منابع متقدم است.

[۶] «أَلْحَمْدُ» رفع بالابتداء و الابتداء عامل معنوي غير ملفوظ به و هو خلو الاسم عن العوامل اللفظية ليسند إليه خبر و خبره في الأصل جملة هي فعل مسند إلى ضمير المبتدأ و تقديره «الحمد حق» أو «استقر لله» إلا أنه قد استغنى عن ذكرها لدلالة قوله «لِلَّهِ» عليها. و أما من نصب الدال فعلى المصدر تقديره «أحمد الحمد لله» أو «اجعل الحمد لله» إلا أن الرفع بالحمد أقوى و أمدح لأن معناه «الحمد وجب لله» أو «استقر لله» و هذا يقتضي العموم لجميع الخلق و إذا نصب «الحمد» فكان تقديره أحمد الحمد كان مدحا من المتكلم فقط فلذلك اختير الرفع و من كسر الدال و اللام أتبع حركة الدال حركة اللام و من ضمهما أتبع حركة اللام حركة الدال و هذا أيسر من الأول لأنه أتبع حركة المبني حركة الإعراب و الأول أتبع حركة المعرب حركة البناء (طبرسي، مجمع البيان فى تفسير القرآن، ۱۳۸۲: ۱/ ۹۶).

[۷] المعنى: «فَتَبَيَّنُوا» أى ميزوا بين الكافر و المؤمن و بالثناء و التاء توقفوا و تأنوا حتى تعلموا من يستحق القتل و المعنيان متقاربان و المراد بهما لا تعجلوا فى القتل لمن أظهر السلام ظنا منكم بأنه لا حقيقة لذلك» (همان، ۱۴۶/ ۳؛ ابن جزرى، النشر فى القرائات العشر، ۲/ ۲۵۲).

فهرست منابع

۱. ابن الجزری، ابو الخیر محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، مكتبة الحلبي، قاهره، بی تا.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جعفر یاحقی - ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۳. ابوزهره، محمد، المعجزة الكبرى القرآن، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابروانی، مرتضی، رویکرد ادبی - تفسیری مجمع البیان، پژوهش های قرآنی، دوره ۸، ش ۲۹-۳۰، ۱۳۸۱ ش.
۵. بحرانی، یوسف، حدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، مؤسسه النشر السلامی، ۱۴۰۵ ق.
۶. جارحی، مجددی بن عوض، منهج الشیعه الامامیه الاثنی عشریه فی التفسیر القرآن الکریم، بی جا، ۱۴۳۰ ق.
۷. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۶ ق.
۸. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۹. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. ستوده نیا، محمدرضا، «تأثیر قراءات بر تفسیر»، پایان نامه دکتری دکتری دانشگاه قم، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، با تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۲ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. طبیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی التفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۴ ش.

۱۴. فارسی، ابو علی الحسن بن عبد الغفار، الحجة للقراء السبعة، دمشق / بیروت: دارالمأمون للتراث، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۵. کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، تهران: موسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ش.
۱۶. کریمی‌نیا، مرتضی، شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در تبیان، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۸. مساعد مسلم، عبدالله آل جعفر، اثرالتطور الفکری فی التفسیر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۶۴ش.
۱۹. معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه فرهنگى تمهید، کتاب امین، مترجم علی خیاط، بی تا.
۲۰. نواب، حسین، کاوشی در زندگی علامه طبرسی، تهران: انتشارات علامه طبرسی، ۱۳۸۱ش.